

**شنبه 20 تیر 18 رجب 11 ژوئیه**

پیامبر اکرم (ص) دارای دو پسر به نام های: عبدالله و قاسم، معروف به طیب و طاهر و چهار دختر به نام های: زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه زهرا (س) بود، که همگی از خدیجه کبری (س) بودند و در مکه معظمه دیده به جهان گشوده بودند. از همسران دیگر، فرزندی نداشت مگر از ماریه قبطیه...

**وفات ابراهیم پسر حضرت محمد (ص) در سال دهم هجری قمری**

پیامبر اکرم (ص) دارای دو پسر به نام های: عبدالله و قاسم، معروف به طیب و طاهر و چهار دختر به نام های: زینب، رقیه، ام کلثوم و حضرت فاطمه زهرا (س) بود، که همگی از خدیجه کبری (س) بودند و در مکه معظمه دیده به جهان گشوده بودند. از همسران دیگر، فرزندی نداشت مگر از ماریه قبطیه.

مقوقس پادشاه مصر در سال هفتم قمری به همراه پاسخ نامه پیامبر (ص)، کنیزی به نام "ماریه" را برای آن حضرت ارسال نمود. این کنیز که به همسری پیامبر اکرم (ص) افتخار یافت، در سال هشتم قمری، فرزندی پسر برای آن حضرت به ارمغان آورد. پیامبر (ص) نام مولود خویش را ابراهیم گذاشت و وی را بسیار دوست می داشت. اما این کودک خردسال و محبوب پیامبر (ص)، عمر چندانی نکرد و در کمتر از دو سالگی وفات یافت. وی به مدت یک سال و ده ماه و هشت روز و به روایتی دیگر، یکسال و شش ماه و چند روز زندگی کرد و سپس بیمار شد و در همان بیماری، در 18 رجب سال دهم قمری بدرود حیات گفت.

پیامبر (ص) در مرگ وی، بسیار اندوهگین شد. از امام جعفر صادق (ع) روایت شد: هنگامی که ابراهیم رحلت کرد، اشک از دیدگان پیامبر (ص) جاری شد و در آن حال فرمود: دیده می گردید و دل اندوهناک است، ولی چیزی که باعث خشم پروردگار گردد، نمی گوئیم. سپس به فرزندش ابراهیم فرمود: ای ابراهیم! در مرگ تو ما اندوهگین هستیم.

برخی از صحابه پیامبر (ص) که شاهد حالت اندوه و گریه رسول خدا (ص) بودند، تعجب کرده و زبان به اعتراض گشودند و به آن حضرت عرض کردند: شما ما را از گریه بر مردگان نهی می نمودید، اکنون چگونه در سوگ فرزند خود اشک می ریزید؟

پیامبر اکرم (ص) در پاسخ آنان فرمود: من هرگز نگفته ام که در مرگ عزیزان خود گریه نکنید، زیرا این احساسات نشانه دلسوزی و مهربانی و ترحم است و شخصی که دلش بر حال دیگران نسوزد، مورد رحمت الهی قرار نمی گیرد. من گفته ام که در مرگ عزیزان، شیون نکنید و سخنان کفرآمیز و یا سخنانی که بوی اعتراض می دهد نگوئید و از شدت اندوه، لباس های خود را پاره ننمایید.

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) به دستور رسول اکرم (ص)، بدن ابراهیم را غسل داد و کفن نمود. آن گاه گروهی از اصحاب پیامبر (ص)، جنازه ابراهیم را تشییع کرده و در قبرستان بقیع به خاک سپردند.

**مرگ معتمد عباسی در سال 279 هجری قمری**

احمد بن متوکل بن معتمد، معروف به "المعتمد بالله" پانزدهمین خلیفه عباسی است و در رجب سال 256 قمری، پس از قتل مهدی عباسی، به خلافت رسید.

وی در سال 229 قمری، از کنیزی به نام "فتیان رومی" در سامرا زاییده شد.

خلافت وی، به مدت 23 سال ادامه یافت و در این مدت، رویدادهای بزرگی برای مسلمانان و دستگاه خلافت پدید آمد. بزرگترین و معروفترین آن ها عبارت بودند از قیام زنگیان در بصره و هجوم صفاریان از شرق ایران به سوی عراق. در این مدت، معتمد عباسی و برادرش موفق عباسی تلاش های زیادی به عمل آورده، تا بر معترضان و شورشیان فایز آیند.

سرانجام معتمد عباسی در 18 رجب سال 279 قمری، به کام مرگ گرفتار آمد و در بغداد بدرود حیات گفت و وی را به سامرا منتقل کرده و در آن جا مدفون نمودند. پس از مرگ وی، برادرزاده اش احمد بن موفق بن متوکل عباسی به خلافت نشست و تلاش بلیغی به عمل آورد تا نابسامانی های خلافت عباسی را ترمیم کند و بر دشمنی آنان نسبت به علویان و پیروان مکتب اهل بیت (ع) بکاهد.

گفتنی است که معتمد عباسی، از مخالفان و دشمنان سرسخت اهل بیت (ع) بود و امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) به واسطه وی مسموم شده و در سامرا غریبانه به شهادت رسیدند.

هم چنین به دستور وی، پس از شهادت امام حسن عسکری (ع)، مامورین حکومتی به خانه امام حسن عسکری (ع) یورش برده و برای یافتن فرزند آن حضرت، یعنی حضرت حجت بن الحسن (ع) به تفحص و جستجو پرداختند.

**شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر در سال 1399 قمری**

علامه شهید، آیت الله سید محمد باقر صدر، یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان - و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکر اسلامی» - در تاریخ اسلامی به ویژه در قرن چهاردهم هجری است.

سید محمد باقر صدر در تاریخ 25 ذیقعده 1353 در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود. و دومین فرزند خانواده بود. پدرانش همه از عالمان دین بودند. پدرش سید حیدر در جوانی فوت کرد، پدر بزرگش آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر که یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اول قرن چهاردهم اسلامی بود در سال 1338 ق. وفات کرد. و دیگر اجدادش که شاخه های سرسبز و پر بار از شجره پربرکت «خاندان صدر» و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم (ع) بوده اند و در سرزمین ایران، لبنان

و عراق از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین بشمار می رفته اند.

خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» یکی از زنان دانشمند، شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که در مسیر جهاد و مبارزه، با بردارش سید محمد باقر همگام شد و سرانجام سرنوشت هر دو به شهادت و سعادت ابدی ختم گشت.

سید محمد باقر، از پنج سالگی به مدرسه رفت و تا یازده سالگی دوره ابتدایی را به اتمام رساند. در این دوران، نبوغ شگفت انگیز و استعداد سرشار خدادادی او درخشید و تعجب آموزگاران خود را برانگیخت، بطوری که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او را به مدرسه کودکان تیزهوش و نابغه بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم و قانونی، به دانشگاههای اروپا یا آمریکا اعزام کنند و در رشته های علوم جدید تحصیل کند و به کشور خود بازگردد.

او به تحصیل علوم دینی و پرداختن به رشته کار پدرانیش گرایش داشت و از طرفی مادر و برادر بزرگش رضایت ندادند که او به پول دولت وابسته به غرب و دست اندرکاران خود باخته آموزش و پرورش آن روز عراق، درس بخواند. .. بالاخره با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش آیت الله «شیخ محمد رضا آل یاسین» و آیت الله «شیخ مرتضی آل یاسین» به فراگیری دروس حوزوی و علوم دینی پرداخت.

تحصیلات علوم دینی را با کتاب «معالم الاصول» نزد برادرش سید اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتابهای دوره سطح حوزه را با شور و شوق و تلاش بسیار در مدتی کوتاه خواند و تمام کرد. او علاوه بر تحصیل، دروس ابتدایی را نیز به خواهرش بنت الهدی می آموخت و بنت الهدی بی آنکه به مدارس نامناسب دخترانه آن روز عراق پای بگذارد، نزد برادرش سید محمد باقر قرآن، ادبیات، تاریخ، حدیث فقه، اصول و ..... را آموخت.

در نجف اشرف، شهر امامت و فقاقت:

در سال 1365 ق. که دوازده ساله بود همراه برادرش سید اسماعیل به نجف اشرف رفت تا در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه شهر امامت، به تحصیلات عالی بپردازد. او دوره عالی فقه و اصول را در نزد مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی و مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا آل یاسین گذراند. فلسفه اسلامی (اسفار ملاحصرا) را از مرحوم «شیخ صدرا بادکوبه ای» آموخت. و در کنار آن، طی سالها، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقت مورد تحقیق و نقد قرار داد. کتاب «فلسفتنا» (فلسفه ما) گویای ابعاد گسترده اندیشه های فلسفی سید محمد باقر صدر است. در دیگر رشته های علوم مثل حدیث، رجال، درایه، کلام و تفسیر نیز سالها به تحصیل و تحقیق و مطالعه گذراند و به کمال رسید.

سید محمد باقر در طول هفده - هیجده سال تحصیل (از آغاز تا پایان) علاوه بر استفاده از هوش و استعداد و نبوغ فوق العاده اش، روزانه حدود شانزده ساعت به تحصیل و مطالعه و مباحثه و تحقیق می پرداخت و خودش نیز همیشه می گفته است که من به اندازه چند طلبه درسخوان، تلاش می کنم. در سایه این پشتکار بود که بر همه مشکلات فایق آمد و در کسب دانش و فضیلت به مقامی عالی دست یافت.

تعلیم و تربیت:

سید محمد باقر از بیست سالگی با تدریس کتاب «کفایه الاصول»، تعلیم و تربیت طلاب جوان را آغاز کرد. از بیست و پنج سالگی به تدریس خارج اصول و از بیست و هشت سالگی به تدریس دوره خارج فقه براساس کتاب «العروه الوثقی» پرداخت. بعدها فلسفه و تفسیر قرآن نیز تدریس می کرد. او در طول نزدیک به سی سال تدریس و تعلیم، شاگردانی جوان، محقق، پرشور، متقی، متفکر، آگاه، مجاهد و سیاستمدار تربیت کرد که هر یک از آنها بعدها پرچمدار نشر علم و فرهنگ و آیین جهاد در راه خدا شدند و بعد از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی - اجتماعی او را ادامه دادند.

حمایت از امام:

سید محمد باقر صدر، نهضت امام خمینی در ایران را روزنه امیدی برای نجات امت اسلامی می دانست. بنابراین از آغاز نهضت اسلامی امام در سال 1342 ش آن را تحت نظر داشت و از امام و حرکتش حمایت می کرد.

در تاریخ 9 جمادی الثانی 1385، حضرت امام خمینی از تبعیدگاه ترکیه به نجف اشرف منتقل شد. ورود امام به حوزه علمیه نجف، جنب و جوشی در آن ایجاد کرد. علما و روحانیون نجف درباره استقبال از امام، نظرات مختلفی داشتند. آیت الله صدر با اشتیاق تمام به همراه عده ای از علمای دیگر، در مراسم استقبال و پیشواز از امام شرکت، و شاگردان و همفکرانش را نیز به آن دعوت کرد... در تمام چهارده سال اقامت امام در نجف، سید محمد باقر با ایشان ارتباط نزدیکی داشت و به امام عشق می ورزید، عشقی که تا آخر عمر در بین او و امام بود.

دوران مرجعیت:

دوران مرجعیت آیت الله سید محمد باقر صدر، پس از وفات آیت الله حکیم (1390 ق) آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند. در سال 1392 ق. رژیم بعث عراق، بیش از پیش از تحرکهای ضد استبدادی حزب دعوت اسلامی و دیگر گروههای مبارز و مسلمان به وحشت افتاد. بنابراین با یورش به خانه های مبارزان و مجاهدان، عده زیادی را دستگیر و زندانی کردند. آیت الله صدر نیز با اینکه بیمار بود و در بیمارستان نجف بستری شده بود، تحت نظر مأموران سازمان امنیت رژیم بعث قرار گرفت. تا اینکه با اعتراض مردم و علما، سازمان امنیت دست از او برداشت.

از حوادث مهم دیگر در دوران مرجعیت آیت الله صدر، حرکت اربعین سال 1397 بود. مردم نجف از قدیم هر سال در روز اربعین حسینی، مویه کنان و عزادار، با پای پیاده از نجف تا کربلا راهپیمایی می کنند. در آن سال، آیت الله صدر هر چه در توان داشت به هیئتهای عزادار مساعدت کرد تا مراسم شورانگیز اربعین را هر چه با شکوهتر برگزار نمایند. آن روز دهها هزار نفر در قالب عزاداران حسینی، اعتراض خود را علیه سلطه ضد انسانی رژیم بعث عراق، اعلام کردند.

به دنبال آن قیام تاریخی، آیت الله صدر، را دستگیر و به سازمان امنیت بغداد منتقل کردند، در آنجا پس از بازجویی، هشت ساعت تحت شکنجه جسمی و روحی قرار دادند. آثار آن شکنجه ها، تا آخر عمر در بدنش هویدا بود و بسختی می توانست از پله ها بالا برود.

تحریم پیوستن به حزب بعث:

یکی از برنامه های خطرناک رژیم بعثی عراق، «بعثی کردن نظام آموزش و پرورش» بود. به همه دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت از مدارس گرفته تا دانشگاهها تکلیف کردند که به حزب بعث عراق بپیوندند و برنامه های ضد اسلامی آن را در تمام سطوح آموزش کشور اجرا کنند.... در این هنگام، آیت الله صدر در مقام مرجعیت و یگانه پرچمدار مبارزه با حزب کافر بعث، با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هر گونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا، تکلیف مردم را روشن ساخت و مردم از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی:

آیت الله صدر، از حامیان صادق امام خمینی و انقلاب اسلامی بود، امام در پاریس بود که سید محمد باقر صدر، طی نامه ای پشتیبانی خود را از ایشان و ملت انقلابی ایران اعلام، و از مقام شهدای انقلاب، تجلیل کرد. همین فعالیتهای او بود که ملت مسلمان عراق را به سوی حمایت از مردم ایران سوق می داد. در شب 22 بهمن 1357 که شب پیروزی شکوهمند مردم مسلمان و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی (ره) بر طاغوت آمریکایی بود. آیت الله صدر در مسجد جواهری نجف اشرف به منبر رفت و برای مردم مسلمان عراق از انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی در احیای اندیشه های دینی و اصلاح امت اسلام، سخن گفت و تکلیف مردم عراق را در برابر حکومت ضد دینی بعثی، معین کرد: قیام!.. قیام!.. .. فردای آن شب، مردم عراق به دعوت رهبر خود، برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی، در بسیاری از شهرهای عراق راهپیمایی کردند.

از دیگر کارهای آیت الله صدر، در جهت حمایت از انقلاب اسلامی ایران، تألیف سلسله کتابهای «الاسلام یقود الحیاه» در شش جلد بود که شامل بحثهایی نظیر: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی، اقتصاد جامعه اسلامی و..... می شود. با قرآن در صحنه:

از کارهای شگفت انگیز آیت الله صدر برای بیداری مردم عراق و آماده کردن آنها برای قیام و برگزاری تفسیر موضوعی قرآن بود. آن هم بعد از تعطیل کردن درس خارج فقه!

در حوزه علمیه نجف کمتر دیده شده بود که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن بگوید آن هم به جای درس خارج فقه، که این بیشتر مایه تعجب دیگران می شد. به طوری که برخی از شاگردان او، در این باره از وی سوال کردند او جواب داد: «برای من تدریس و تألیف و تحقیق، صورت حرفه و هدف در زندگی ندارد، بلکه ادای وظیفه شرعی به هر نحو ممکن برای من از همه چیز مهم تر است. امروز در این برهه از تاریخ اسلام و مسلمین، که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شده و پوزه قدرتهای شیطان شرق و غرب را به خاک مالیده و امت اسلام را در سرتاسر دنیا بیدار کرده است، من وظیفه خود می دانم که با تفسیر قرآن، افکار مردم مسلمان عراق را آگاه و آرمانهای انقلابی اسلام را مطرح نمایم و با بیان مفاهیم شورآفرین، حماسی و اجتماعی قرآن کریم، دلها را برای پیوستن به انقلاب اسلامی ایران آماده کنم..... از طرفی، درس خارج فقه و اصول، بیش از حد لازم در حوزه گفته می شود، اما جای تفسیر قرآن سخت خالی است!»

درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت صدام از این پدیده خجسته اسلامی، به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هر گونه تحرک، در یک حمله همه جانبه همه نمایندگان آیت الله صدر را در تمام شهرهای کشور دستگیر و زندانی کرد. شهید صدر روز 16 رجب 1399 را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم اعلام کرد. مردم به اطاعت رهبر و مرجع تقلید خود برخاستند، دست از کارهای خود کشیدند، بازارها را تعطیل کردند و برای بیعت با رهبرشان به خانه او شتافتند..... همان شب آیت الله صدر دستگیر و روانه بغداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواستند که دست از پشتیبانی انقلاب اسلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. اما شجاعانه جواب داد.

«من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان - و نه تنها عراق و ایران - مسئولم باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!»

همان روز بنت الهدی، به ایراد یک سخنرانی در حرم امام علی (ع) پرداخت و از مردم خواست که به خیابانها بریزند و در مقابل دستگیری آیت الله صدر، به رژیم بعثی اعتراض کنند. همینگونه نیز شد و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، مجبور شد که آیت الله صدر را آزاد کند.

شهادت:

روز 18 رجب 1399، خانه آیت الله صدر و کوچه های اطراف آن از اول صبح تا پاسی از شب، مملو از جمعیتی بود که دیروز برای آزادی رهبرشان دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده بودند و امروز آمده بودند تا بار دیگر با او بیعت کنند.

رژیم صدام از تجدید پیمان امت مسلمان عراق با مرجع و رهبرشان، سخت به وحشت افتاد و برای قطع رابطه مردم با آیت الله صدر، نیروی امنیتی را در سر کوچه آیت الله صدر و کوچه های اطراف، مستقر کردند. بدین گونه محاصره خانه آیت الله صدر آغاز شد.

در مدت نه ماه محاصره، رژیم با فرستادن مأموران و مزدوران خود به نزد آیت الله صدر، سعی کرد او را از راهی که در پیش گرفته، منصرف کند، ولی آیت الله صدر ثابت و استوار ایستاد و همچنان از انقلاب اسلامی ایران و امام و مردم انقلابی ایران حمایت کرد و هرگز به خواسته های رژیم صدام، گردن نهاد. تا اینکه در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه 19 جمادی الاول 1400 (16 فروردین 1359)، «ابو سعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده ای از مزدوران امنیتی، آیت الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. آیت الله صدر این بار می دانست که دیگر بر نخواهد گشت، چون وقتی ابوسعید جنایتکار گفت: «آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت: «من خیلی وقت است که آماده شهادتم!» فردای آن روز، حکومت بغداد، اقدام به دستگیری بنت الهدی کرد چون بیم داشت مبادا بنت الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت کند و رژیم را رسوا نماید!

برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد، تا آزاد شود، و گزینه کشته خواهد شد! آیت الله صدر این خواسته را رد کرد و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!...»

وقتی که مزدوران بعثی، از منصرف کردن آیت الله صدر و خواهرش مایوس شدند، آن دو علوی پاک نژاد مظلوم را در روز سه شنبه 23 جمادی الاول 1400 (19 فروردین 1359) زیر شکنجه به شهادت رساندند. جنازه آن دو شهید در جوار مرقد امام علی (ع)، در آرامگاه خانوادگی «شرف الدین» به خاک سپرده شد.

امام خمینی، در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانه آن دو شهید داد، سوگمندان نوشت: «... مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیع شهادت رسیده اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده اند...»

آثار: آثار قلمی متفکر بزرگ، شهید سید محمد باقر صدر، همه علمی، تحقیقی، ابتکاری، کم نظیر و مورد استفاده و مراجعه اندیشمندان و اهل علم و مصداق روشن «باقیات صالحات» است.

در اینجا به معرفی فهرست گونه این آثار درخشان می پردازیم:

- 1- فدک فی التاریخ (فدک در تاریخ)
- 2- غایه الفکر فی علم الاصول
- 3- فلسفتنا (فلسفه ما)
- 4- اقصاونا (اقتصاد ما)
- 5- الأسس المنطقیه للاستقراء
- 6- المعالم الجدیده للاصول.
- 7- بحوث فی شرح العروه الوثقی.
- 8- دروس فی علم الاصول، معروف به «حلقات».
- 9- الفتاوی الواضحه، رساله عملیه شهید صدر است که در نوع خود سبک خاصی دارد.

### **درگذشت این سَمح ریاضیدان، منجم، اخترشناس و طبیب در سال 426 هجری قمری**

این سَمح ریاضیدان، منجم، اخترشناس و طبیب مسلمان آندلسی سال 426 هجری قمری بدرود حیات گفت. او از اهالی قرطبه ازبلا آندلس بود اما دوران شکل گیری اندیشه و شخصیت وی در غرناطه سپری شد. ابن سَمح به سبب علاقه بسیار به علوم ریاضی و نجوم در این رشته ها مطالعات و تحقیقات جامعی انجام داد و بعدها در این علوم و همچنین هندسه و طب دانش فراوان کسب کرد. او شاگردان بسیاری تربیت کرد و کتابهای ارزشمندی نیز تألیف کرد. «الکامل فی الحسب الهوائی» در علم ریاضی و کتاب التّعریف از جمله آثار ابن سَمح بشمار می روند.

### **تولد حاج ملامحمد معروف به حجة الاسلام اشرفی در سال 1220 هجری قمری**

حاج ملامحمد معروف به حجة الاسلام اشرفی از مفاخر بزرگ مکتب اسلام در اوایل قرن 13 هجری قمری سال 1220 هجری قمری در یکی از روستاهای چهاردانگه مازندران بدنیا آمد. حجة الاسلام اشرفی بعد از فراگیری علوم مقدماتی به نجف رفت و چند سال در حوزه علمیه نجف تحصیل کرد و در علوم حدیث، تفسیر، حکمت، کلام، فقه و اصول شهرت یافت. کلاس درس حجة الاسلام اشرفی مشتاقان بسیار داشت. از این عالم ربانی که در سال 1315 هجری قمری در پی عمری خدمت به اسلام و مسلمانان دارفانی را وداع گفت. کتابهایی همچون «أسرار الشّهاده و شعائر الإسلام» باقیست. مندرجات این کتابها بر تسلط علمی مؤلف بر علوم مختلف بویژه فقه آل محمد (ص) دلالت دارد.

### **درگذشت آیت الله سید کاظم طباطبایی یزدی در سال 1337 هجری قمری**

آیت الله سید کاظم طباطبایی یزدی از مراجع و علمای برجسته قرن حاضر سال 1337 هجری قمری در نجف اشرف درگذشت و در صحن مطهر امیرالمؤمنین علی (ع) به خاک سپرده شد. آیت الله طباطبایی در اصفهان و نجف تحصیلات علوم دینی را به پایان رساند و پس از کسب درجه اجتهاد به مطالعه و تحقیق پرداخت. بعد از رحلت آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ریاست دینی به آیت الله طباطبایی واگذار شد و از آن زمان این مرجع بزرگ علاوه بر تدریس علوم دینی در مبارزات سیاسی و آزادیخواهانه

نقش مؤثري ایفا کرد. آیت الله طباطبایي افزون برتألیف چندین اثرمراکزعلمی نیز تأسیس کرد. مدرسه علوم دینی نجف ازجمله این مراکز علمی است. کتابهای «عُرْوَةُ الْوُثْقَى، بستان نیاز و گلستان راز» ازآثار آیت الله سید کاظم طباطبایي یزدی بشمارمی روند.

### **درگذشت حبیب سماعی موسیقی دان ایرانی در سال 1325 هجری شمسی**

حبیب سماعی موسیقی دان ایرانی و نوازنده بر جسته سنتور بر اثر ابتلا به ذات الریه بدرود حیات گفت. پدر او سماع حضور از موسیقیدانان برجسته عهد ناصری بود، از این رو فرزندش را از چهارسالگی با موسیقی آشنا کرد. بطوری که حبیب در 12 سالگی سنتور را بسیار استادانه می نواخت. حبیب سماعی مدتی در مدرسه موزیک به سرپرستی سالارمعزز به تحصیل پرداخت و بعد از چندی به اتفاق خانواده عازم مشهد شد. او در پایان تحصیلات موسیقی به خدمت ارتش در آمد. سماعی در مراجعت به تهران بنا به توصیه استادان ابو الحسن صبا کلاس تدریس سنتور دایر نمود و به گفته خودش شاگردان واقعی او مهندس قبادظفر؛ مرتضی عبد الرسولی؛ و استاد نورعلی برومند بودند. سنتور نوازی استاد حبیب سماعی را می توان مجموعه ای از استعداد، ذوق هنری، مهارت، تبحر و زیبایی بر شمرد.